



تحلیلی زیباشناسانه از رخداده‌های عاشورا در صحنه کربلا

دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۲ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۱

محمد طاهری گندمانی^۱، عذرا خدائی^۲، مهدی طاهری^۳

چکیده

در بیان رخداد عاشورا و صحنه کربلا نویسندگان و تحلیلگران به انحای مختلف به بحث، گفت‌وگو و تحلیل پرداخته‌اند. بعضی به بیان تاریخی این حادثه عظیم اکتفا کرده‌اند، عده‌ای نیز در کنار نقل تاریخی، به بیان تحلیل‌های سیاسی این امر اقدام نموده و عده‌ای هم به بیان ریشه‌ها، عوامل و نتایج آن پرداخته‌اند. نکته قابل ذکر اینکه کمتر به زیبایی‌های شگفت‌انگیز حسی ادراکی این رخداد عظیم و تاثیرات آن پرداخته شده است. در این تحقیق از این منظر به موضوع پرداخته و سعی شده به روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از زیبایی‌شناسی و همچنین با استفاده از اتفاقات مطرح و کلام بزرگان به این سؤالات پاسخ داده شود که زیبایی در رخداد عظیم عاشورا و صحنه کربلا چگونه است و چه جایگاهی دارد و منظور بزرگانی چون حضرت زینب (علیها السلام) چیست که عاشورا و اتفاقات آن را جز زیبایی نمی‌بینند؟ برآیند پژوهش حاکی از آن است که رخداد عظیم عاشورا و همچنین صحنه کربلا بیش از آنکه یک صحنه تراژدی، تاریخی و سیاسی دینی باشد، یک تابلوی زیبایی‌شناسانه با تمامی مؤلفه‌های آن است که در صورت شناخت درست آن و حصول احساس و ادراک موضوع از منظر زیبایی‌شناسانه والاترین، گسترده‌ترین، بادوام‌ترین و تاثیرگذارترین نتایج را بر مخاطبان خویش می‌گذارد.

کلیدواژه‌ها: زیبایی‌شناسی، رخداد عاشورا، صحنه کربلا، ذهنی-عینی.

۱. دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول):
m.taherigandomani@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی بروجن، بروجن، ایران:
azrakhodai1353@gmail.com
۳. دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان یاسوج، یاسوج، ایران:
taherimehdi4000@gmail.com

۱. مقدمه

زیبایی‌های حاصل از ویژگی اشیا و پدیده‌ها برای انسان از زوایای مختلف قابل تقسیم و بررسی است. در یک تقسیم‌بندی که به موضوع تحقیق حاضر نزدیک‌تر است، زیبایی را به دو شکل مطرح کرده است. در اینجا زیبایی به دو قسم محسوس و معقول قابل تقسیم است و مهم‌ترین تفاوت بین زیبایی محسوس و زیبایی معقول مربوط به تنوع شهود و احساس در این دو نوع زیبایی است؛ چراکه عامل برانگیخته شدن شهود و احساسی که در دریافت زیبایی‌های محسوس به وجود می‌آید، اشکال، صورت‌ها، رنگ‌ها و روابطی است که میان مجموعه‌ای از نموده‌های عینی حاکم است، در صورتی که عامل برانگیخته شدن شهود و احساس زیبایی‌های معقول، شناخت درست و ایمان به کمال و عظمت آن پدیده‌ها و فعالیت روانی است که زیبایی معقول نامیده می‌شود. در حقیقت زیبایی نوع اول مربوط به جسم و ابزار در خدمت جسم است و زیبایی نوع دوم مربوط به روح انسان و عقل و اندیشه اوست. این از مسلمات است که روح انسان نیز زیبایی‌هایی دارد. در امر زیبایی چه محسوس و چه نامحسوس احساس لذت در آن‌ها عنصری بسیار مهم درون ذاتی است. اگر منصفانه در این باره قضاوت کنیم، باید بپذیریم که همان‌گونه که انسان هنگام روبه‌رو شدن با زیبایی‌های محسوس احساس لذت می‌کند، چه بسا که بهره‌ او از زیبایی‌های معقول و معنوی بیشتر باشد. یک نمونه از این زیبایی‌های عقلی، معنوی و روحانی مربوط به آیات الهی و روایات معصومین است، به‌گونه‌ای که آیات قرآن کریم، روایات معصومان و زیبایی آن‌ها می‌تواند به‌عنوان عاملی موثر برای لذت بردن عقل از آن‌ها شده و یک زیبایی معقول نیز در کنار زیبایی‌های محسوس برای انسان فراهم نماید. البته نباید نقش احساس را در بسیاری موارد در ایجاد درکی درست از زیبایی نادیده گرفت. رابطه بین لفظ و معنا، نماد یا نشانه و مفهوم و منطوق و تاثیر آن‌ها بر یکدیگر و تاثیر هر دو بر روح و روان بشر از مباحثی است که همواره مورد توجه واقع شده است.

زیبایی، زیبایی‌شناسی عاشورا و مسائل پیرامون آن و اهمیت حصول درکی درست از این موضوعات از جمله مباحثی است که بسیار مهم و قابل بحث است. زیبایی و درک درست

از زیبایی در این تحقیق، همان زیبایی از نوع دوم یعنی زیبایی معقول است که اگر ناظر یا مخاطب واجد درک آن زیبایی باشد، والاترین نوع احساس و ادراک زیبایی برایش حاصل می‌شود. عاشورا به‌عنوان مهم‌ترین واقعه در فرهنگ شیعیان، به‌مثابه تجربه‌ای قدسی، واقعه‌ای تاریخی، رفتاری دینی و آیینی می‌باشد که تأثیر فرهنگ عاشورا را می‌توان در همه زوایای زندگی شیعیان همچون مسائل اجتماعی، فرهنگی، علمی، هنری، شعر، نثر و موسیقی مشاهده کرد. ادبیات عاشورایی از غنی‌ترین و حماسی‌ترین ذخایر فکری و احساسی مکتب شیعه است و به تبع آن، نویسندگان زیادی به خلق آثار داستانی و غیرداستانی، متون علمی و پژوهشی، ادبیات نمایشی و مقتل‌نگاری در این خصوص پرداخته و تلاش کرده‌اند که گوشه‌هایی از ابعاد این حادثه را به تصویر بکشند. در آثار قدما و متأخران مطالبی چند در این باره به رشته تالیف درآمده است. از جمله در میان مقاتل کهن مشهورترین آن‌ها مقتل الحسین (علیه السلام) اصبح بن نباته مجاشعی (۱۶۸)، مقتل الحسین (علیه السلام) محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ یا ۲۰۹)، مقتل الحسین (علیه السلام) از ابو عبیده معمر بن مثنی (م ۲۰۹)، مقتل ابو عبیده قاسم بن سلام هروی (م ۲۲۴)، مقتل ابوالقاسم عبدالله بن محمد بن شاهنشاه بغوی بغدادی (م ۳۱۷) است. بنا بر نقل تاریخی قدیمی‌ترین مورخ کربلا ابومخنف لوط بن یحیی (م ۱۵۷) است که کتاب مشخصی با عنوان مقتل الحسین (علیه السلام) داشته است. در میان آثار شیعه، شیخ مفید (م ۴۱۳) در کتاب الارشاد بیشترین استفاده را از مقتل ابومخنف داشته است. مقاتل الطالبيين اثر ابوالفرج اصفهانی (۲۸۴-۳۵۶ق) اثری جاودانه در شرح مبارزات علویان و بخشی از آن به حادثه کربلا اختصاص دارد. ابن اعثم کوفی (م حدود ۳۱۴) در کنار مورخان کهن از جمله یعقوبی، مسعودی، طبری، دینوری و بلاذری، یکی از چهره‌های تاریخ‌نگار برجسته‌ای است که تقریباً در حد یک نهم کتاب خود را به کربلا و نهضت امام حسین (علیه السلام) اختصاص داده است. ابوالمؤید موفق بن احمد مکی خوارزمی (م ۵۶۸) اثری مفصل و ارجمند با موضوع عاشورا فراهم آورده است. کتابی با عنوان تاریخ الخلفاء (نسخه قرن پنجم هجری) بدون نام مؤلف بر جای مانده که به صورت عکسی در سال ۱۹۶۸ در مسکو به چاپ رسیده است. آخرین کتاب از این دست، روضه الشهداءی ملاحسین کاشفی است که در اوایل قرن دهم هجری در هرات

تألیف شده است. این کتاب داستان کربلا را در قالب ادبی بسیار زیبا بیان کرده و صرف نظر از مستند بودن نقل‌ها یا عدم آن، رخداد کربلا را به هیجانی‌ترین شکل ارائه کرده است. از جمله معروف‌ترین کتاب‌ها در این زمینه مقتل شیخ جعفر شوشتری (م ۱۳۰۳ق) است که بسیاری از مقتل‌نویسان از آن در آثار خویش استفاده کرده‌اند. کتب معاصر نیز که به این موضوع پرداخته‌اند، بی‌شمارند که کتاب دو جلدی حماسه حسینی از مرتضی مطهری (۱۳۷۴)، حماسه و عرفان تألیف آیت الله جوادی آملی (۱۳۷۷)، تاملی در نهضت عاشورا از رسول جعفریان (۱۳۸۱)، نگاهی نو به جریان عاشورا، علیرضا واسعی (۱۳۹۰) و درس‌های عاشورا تألیف سیدعلی خامنه‌ای (۱۳۹۵) از جمله آن‌هاست.

ضرورت تحلیل و درک صحیح زیبایی‌های احساسی ادراکی رخداد عظیم عاشورا در صحنه کربلا ضروریات و رازهای فراوانی را در خود دارد که پی بردن به آن‌ها راهگشای بسیاری از رهنویان مسیر الهی و معنویت است، با درک و فهم زیباشناسانه حوادث عاشورا و کربلا، بیش از پیش حق از باطل و کمال از خذلان برای انسان معلوم می‌شود. لذا تحقیقات و بررسی‌های گسترده و موشکافانه‌ای را می‌طلبد تا اینکه شگفتی‌های آن بیش از پیش آشکار و عظمت آن متجلی شود. در این مقاله ضمن ارج گذاشتن بر همه فعالیت‌های علمی انجام شده در این خصوص، بنا بر اهمیت شناخت درست حادثه عاشورا و صحنه کربلا از منظر زیباشناسانه آن و همچنین تاثیرات روحی روانی و مذهبی آن بر دیدگاه، اعمال و سرنوشت مخاطبان موضوع کابیده می‌شود. در خور ذکر است که گرچه آثار ذکر شده و دیگر کتاب‌ها، رساله‌ها و مقاله‌های تألیف شده در این باره، اشاراتی درباره زیبایی و زیبایی‌شناسی داشته‌اند، ولی تاکنون مقاله‌ای یا اثری که به‌طور خاص به تحلیل زیباشناسانه عاشورا و کربلا و همین‌طور شناخت مؤلفه‌های زیبایی تأثیرگذار آن بر روح و روان بشر پرداخته باشد، یافت نشد. ضمن اینکه در این مقاله ضمن کاوش موضوع به روش توصیفی تحلیلی به شکل میان‌رشته مباحث با اتکا به روایات ائمه و سخنان اندیشمندان بیان شده است.

۲. زیبایی، عاشورا و کربلا

«زیبا» در لغت از مصدر زیباییدن دارای معانی چون شایسته، نیکو، جمیل و خوش‌نماست (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۳۴). در اصطلاح نیز تعاریف متعددی دربارهٔ زیبایی شده و بنا بر تعریفی زیبایی یعنی حالت و کیفیت زیبا که عبارت است از نظم و هماهنگی که همراه با عظمت و پاکی در شیء وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات انسان را تحریک و ایجاد لذت و انبساط خاطر در انسان می‌نماید (معین، ۱۳۶۰: ۳۰۱). بعضی نیز عقیده دارند که زیبایی نوعی هماهنگی و هارمونی است که لذات ما را در یک خط سیر معین شکل داده و سبب ایجاد اندیشه زیبا می‌شود (خرقانی، ۱۳۸۷: ۱۱). از پیشینیان نیز جاحظ به زیبایی و زشتی واقع‌بینانه نگریسته و معتقد است که زیبایی از آن جهت که ارزش‌های واقعی معانی را تغییر می‌دهد، بسیار فریبنده است، همان‌گونه که لفظ و پدیدهٔ قبیح به این دلیل که در جان آدمی رسوخ می‌کند، آن نیز دلفریب است و حتی گفتار گوینده برای خودش نیز فریبنده است، چراکه طبیعت انسان چنین اقتضا می‌نماید که خود او و نیز آنچه از او صادر می‌گردد در نظرش خوب و زیبا متجلی گردد (جوینی، ۱۳۸۷: ۳۶۱).

یکی از موضوعات مرتبط با زیبایی، زیبایی‌شناختی است که نوعی دریافت شهودی بی‌واسطه، توأم با آگاهی و فرایندی دو سویه ذهنی-عینی است که از یک سو متکی به دریافت‌کننده و تجربه‌گر است و از سوی دیگر متکی به بافت و زمینه و شرایط خاص روانی، فرهنگی، تربیتی، میزان آموزش و نیز گرایش‌ها و تمایلات شخص تجربه‌گر است. معناداری، تخیل‌انگیزی، مسبوق و متکی به تداعی بودن و همین‌طور بی‌زمان بودن از جمله خصوصیات حس و تجربهٔ زیبایی‌شناختی است. این نکته نیز قابل توجه است که تجربهٔ زیبایی‌شناختی ترکیبی از شور و عاطفه، درک و فکر و حس است و غالباً موجب انگیزش و واکنش در انسان می‌شود (همتی، ۱۳۸۷: ۶۷). برای تبیین بهتر موضوع لازم است تعاریفی از زیبایی‌شناسی که ارتباط تنگاتنگی با زیبایی‌شناختی دارد، در اصطلاح بیان شود. زیبایی‌شناسی به‌منزلهٔ تحلیل و تحلیل ادراک حسی یا شهودی است. بعضی

از محققان زیبایی‌شناسی را دانشی می‌دانند که به مطالعه اشیا زیبا و واکنش‌های روحی و ذهنی خاص بینندگان، خوانندگان، یا مخاطبان اثر هنری می‌پردازد. به‌عنوان مثال همتی معتقد است که زیبایی‌شناسی لزوماً یک دانش میان‌رشته‌ای است و می‌تواند ماهیتی تفسیری، تجویزی، توصیفی یا آمیزه‌ای از همه این‌ها باشد (همان: ۱۱۶). آن‌گونه که از تعاریف برمی‌آید زیبایی‌شناسی و زیبایی‌شناختی به هم مرتبط بوده و در جاهایی نیز معانی متفاوتی دارند. شاید بتوان گفت که این به دلیل کاربردهای میان‌رشته‌ای این عبارات است به‌خصوص در این تحقیق که زمینه آن زیبایی است که از دریچه علوم مختلف معانی و برداشت‌های فراوانی را به ذهن می‌رساند. با توجه به این مطالب و توجه به نظریه‌های مطرح شده باید گفت که در اینجا تعریف و توصیفی که در جهت تبیین موضوع تحقیق مناسب به‌نظر می‌رسد و مدّ نظر ماست، این‌گونه است که زیبایی‌شناسی را تحلیل نوعی داوری و قضاوت می‌داند. بشر وقتی حس یا درکی لذت‌بخش و مورد رضایت نفس یا عقلش برایش حاصل می‌شود با نوعی قضاوت همراه است، به این معنا که بین عناصر و هزاران عامل یا پدیده، این مورد برایش زیبا تجلی کرده است. در حقیقت نتیجه زیبایی‌شناسی، احساس و ادراک زیبایی واقعی، عمیق، پایدار، لذت‌بخش و تاثیرگذار بوده و البته زمینه‌ساز رشد و کمال انسان است.

عاشورا به‌عنوان کلیدواژه مهمی در این تحقیق عبارت است از دهم محرم سال ۶۱ هجری که در آن روز امام حسین (علیه السلام) و یارانش در کربلا به شهادت رسیدند و شیعیان هر سال مراسمی در این روز برپا می‌کنند (دهخدا، ۱۹۶۵: ۲). سیدجعفر عاملی درباره عاشورا گفته است: «عاشورا، یک اسم اسلامی است و در دوره جاهلیت به این نام معروف نبوده است» (مرتضی عاملی، ق ۱۴۲۶، ج ۳: ۱۰۶). مرحوم مجلسی هم به نقل از صاحب مجمع البحرین ذکر کرده که عاشورا یک اسم اسلامی است و آنچه پیش از به شهادت رسیدن امام حسین (علیه السلام) بود، اینکه هم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و هم حضرت علی (علیه السلام)، شهادت امام حسین (علیه السلام) را در کربلا پیش‌گویی کرده بودند و حتی امام حسین (علیه السلام) نیز شهادت خود را پیش‌گویی کرده و به برخی از پیامبران پیشین نیز شهادت آن حضرت وحی شده بود (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۴: ۲۲۳-۲۵۰).

روز دهم ماه محرم، روز شهادت امام حسین (علیه السلام) است، روز مصیبت و حزن ائمه (علیهم السلام) و شیعیان آنان است و توصیه شده که شیعیان در این روز مشغول کارهای دنیوی نشوند و مشغول گریه و نوحه باشند و زیارت عاشورا بخوانند. بنی امیه روز عاشورا را مبارک دانسته و جشن می گرفتند و در این روز برای خود خرید می کردند و خرید را در آن روز سنت خود قرار داده بودند. آنان در این روز مراسم عید بر پا می کردند و آن روز را روزه می گرفتند و در آن روز طلب حوائج را مستحب می دانستند و برای همین درباره روز عاشورا، فضایل و مناقبی جعل کردند، آنان اعتقاد داشتند که هر نبی، فضیلت و شرفی دارد و در روز عاشورا، این شرافت زیاد می شود؛ مانند خاموش کردن آتش نمرود برای ابراهیم، قرار گرفتن کشتی نوح بر کوه جودی، غرق ساختن فرعون در دریا و نجات حضرت موسی (علیه السلام) از دست فرعون و نجات حضرت عیسی (علیه السلام) از دست یهودیان (طهرانی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۲۵۶). شیخ عباس قمی گفته است که امت پیامبر، فرزند پیغمبر خود را می کُشدند و روز عاشورا را که در آن فرزند پیغمبر خود را کشته اند، روزی مبارک قرار می دهند و این کار خواهد شد. او همچنین می گوید که به میثم گفتم که چگونه آن روز را روزی مبارک قرار می دهند؟! گفت که آنان در فضیلت آن روز، حدیث جعل می کنند و می گویند که روز عاشورا، روزی است که خداوند، توبه آدم را پذیرفت؛ با اینکه توبه آدم، در ذی الحجه پذیرفته شد. آنان می گویند که در روز عاشورا، یونس از شکم ماهی نجات یافت؛ در حالی که حضرت یونس در ماه ذی القعدة از شکم ماهی نجات یافت. می گویند که روز عاشورا، روزی است که در آن روز، کشتی نوح بر کوه جودی قرار گرفت؛ در حالی که در روز هیجدهم ذی الحجه کشتی نوح بر کوه جودی قرار گرفت، آنان می گویند که در روز عاشورا، دریا برای موسی شکافته شد؛ در حالی که در ربیع الاول، دریا شکافته شد (قمی، ۱۳۹۲: ۴۷۶).

لفظ کربلا در اصل «کرب بلا» بوده است، باء اول را حذف کرده و دو کلمه را ترکیب کرده اند، به شکلی که آخر کلمه اول و اول کلمه آخر از یک جنس هستند، پس آخر کلمه اول را حذف کرده اند (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۴). یاقوت حموی درباره کربلا گفته است: «کربلا محلی است که حسین بن علی (علیه السلام) در آن جا کشته شد و اشتقاق آن از کربله ای که معنای رخوت و سستی است که در دو قدم پدید می آید و چون زمین کربلا چنین است، از این

جهت به این نام نامیده شده یا از کربله‌ای مشتق است که به معنی پاک کردن گندم و مانند آن از سنگریزه و خاشاک است و چون این زمین خالی از سنگ و ریگ است، کربلا نامیده می‌شود و یا از «کربل» که اسم علف خاصی است، پدید آمده؛ زیرا که این گیاه در آن صحرا زیاد می‌روید» (یاقوت حموی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۴۵). برخی نیز اسم کربلا را از کرب و ایل مرکب دانسته‌اند و معتقدند که کرب به معنای حرم و ایل به معنای الله - حرم الله - و دلالت می‌کند که آنجا حرم الله است و مردم در آن عبادت می‌کنند (عمادزاده اصفهانی، ۱۳۲۶: ۶۹).

شاید بتوان بهترین توصیف را درباره کربلا از محمود عقاد ذکر کرد که گفته است: «کربلا حرم مقدس که در قدیم «کور بابل» خوانده می‌شد، سپس به کربلا تغییر نام داده شد و این تبدیل و تصحیف، این سرزمین را در معرض تبدیلی دگرگونه قرار داد که جمع بین کرب و بلا گردید و نام و نشانی از آن‌ها در اذهان و حافظه‌ها یافت نمی‌شد، به جز اینکه گاه‌گاهی از آن به نینوا یاد می‌شد، تا آن که کاروان امام حسین (علیه السلام) را به اجبار و اکراه در این سرزمین فرود آوردند و از آن روز، تاریخ این زمین با تاریخ تمامی اسلام قرین شد، در حالی که حق این است که با تاریخ انسانیت قرین گردد» (عقاد، ۱۳۴۷: ۹۸).

در ادامه برای تداعی موضوع زیبایی و تطابق آن با عاشورا و کربلا به بیان دو روایت اکتفا می‌کنیم. علامه محمدباقر مجلسی در بحار الانوار گفته است: «الَّتِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ أَتَى جَبْرَيْلُ فَأَوْمَى إِلَى الْخُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ إِنَّ سِبْطَكَ هَذَا مَقْتُولٌ فِي عِصَابَةٍ مِنْ دُرَيْتِكَ وَأَهْلِ بَيْتِكَ وَأَخْيَارٍ مِنْ أُمَّتِكَ بِضَفَّةِ الْفُرَاتِ بِأَرْضٍ تُدْعَى كَرْبَلَاءَ مِنْ أَجْلِهَا يَكْثُرُ الْكَرْبُ وَالْبَلَاءُ عَلَى أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ دُرَيْتِكَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي لَا يَنْقُضِي كَرْبُهُ وَلَا تَنْفِي حَسْرَتُهُ وَهِيَ أَظْهَرُ بِقَاعِ الْأَرْضِ وَأَعْظَمُهَا حُرْمَةً وَإِنَّهَا لَمِنْ بَطْحَاءِ الْجَنَّةِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۸: ۱۱۵)، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود جبرئیل نزد آمد و با اشاره به حسین (علیه السلام) گفت این نوه شما همراه با جمعی از فرزندان و اهل بیت و نیز گروهی از برگزیدگان و نیکان امت در کنار فرات، منطقه‌ای که به آن کربلا گفته می‌شود، کشته می‌شود. از این نظر کربلا نامیده می‌شود که در آن سرزمین از ناحیه حق سستیزان، آنان که با تو و فرزندان دشمنی دارند، حزن و اندوهی بر اهل بیت تو وارد می‌شود که هیچ‌گاه اندوه و

ماتم آن مصیبت بزرگ و جان‌سوز، فراموش نخواهد شد. البته این نقطه از زمین، مقدس و پاکیزه‌ترین مکان‌های روی زمین محسوب می‌گردد و از احترام و قداست خاصی برخوردار است و این قطعه، از زمین‌های بهشت است. شیخ صدوق هم با ذکر روایتی از علی علیه السلام گفته است: «وَأَهْلًا لَكَ أَيُّهَا التُّؤْبَةُ لِيُحْشَرَنَّ مِنْكَ أَقْوَامٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ... بِغَيْرِ حِسَابٍ» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۱۳۶)؛ علی علیه السلام خطاب به خاک کربلا فرمود: چه خوشبویی ای خاک! در روز قیامت قومی از تو به‌پا خیزند که بدون حساب و بی‌درنگ به بهشت روند.

از بررسی‌های صورت گرفته مشخص می‌شود که زمین کربلا از قدیم الایام و حتی قبل از واقعه عاشورا زمینی مورد احترام و جایگاه عبادت بندگان خداوند متعال بوده است و بر اساس نظر پیشوایان به دلیل حزن و اندوه مصیبت سیدالشهدا علیه السلام و اهل بیت و یاران ایشان، این سرزمین کربلا نامیده شده است. در اینجا این نکته مهم قابل ذکر است که نشئه‌های زیبایی در تمامی تعاریف و توصیفات به وضوح دیده می‌شود، زیبایی از هر دو نوع احساسی و ادراکی که نهایتاً به شکل‌گیری و تبلور امری زیبا می‌انجامد. در ادامه به بررسی برخی از مبانی و مؤلفه‌های رخداد عاشورا و صحنه کربلا از منظر زیباشناسانه می‌پردازیم، برخی از جلوه‌های زیبایی و نمادهای جمال را در آینه کربلا برمی‌شماریم. البته لحظه لحظه عاشورا و کربلا، تجلی زیبایی بوده است. البته در مواقعی نیز مجبور به بیان اشاره‌وار برخی از مؤلفه‌های مقابل این مؤلفه‌های زیبایی هستیم.

۲-۱. عاشورا زمینه‌نمایش بهترین جلوه‌ها

زیبایی در دو حیطه توأمان اتفاق می‌افتد که یکی از آن‌ها قالب و لفظ را شامل می‌شود و دیگری مفهوم، باطن و روح را در برمی‌گیرد. زیبایی وقتی حاصل می‌شود که پدیده زیبا وجود داشته باشد و از طرف دیگر عامل تجربه‌کننده و ناظر آن شیء یا پدیده نیز وجود داشته باشد. اتحاد و همراهی دو قالب زیبایی‌شناسی هستی و حیات، هم آرامش روح و وجدان می‌بخشد و هم صلابت و پایداری و پایداری می‌آفریند و همین‌طور قدرت تحمل ناگواری‌ها را برای بشر افزایش می‌دهد. از همین نگاه و زاویه است که زینب کبری علیها السلام

از کربلا و عاشورا جز زیبایی ندید. به گفته علامه محمدباقر مجلسی آنچه زینب کبری (علیها السلام) قهرمان کربلا در مقابل طعنه دشمن درباره این حادثه بر زبان آورد: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۵: ۱۱۶)؛ جز زیبای ندیدم، سیدمحسن امین عاملی معتقد است که این پیش‌تر آرزوی حضرت حسین بن علی (علیه السلام) بود که در طلیعه این سفر، آرزو و اظهار امیدواری کرده بود که آنچه پیش می‌آید و آنچه اراده خداست، امر خیر برای او و یارانش باشد، چه این سرنوشت به صورت فتح و پیروزی باشد و چه به شهادت در راه دوست بینجامد: «أَزْجُوَانِ يَكُونُ خَيْرًا مَا ارَادَ اللَّهُ بِنَا، قُتِلْنَا أَمْ ظَفِرْنَا» (امین عاملی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱: ۵۹۷)، زیبا دیدن خواهر و خیر دیدن برادر، دو امر زیبای مکمل یکدیگر هستند.

درباره زیبایی‌های بی‌نظیر صحنه کربلا این نکته نیز حائز اهمیت است که برخی از این زیبایی‌ها به ساختار و ظاهر این رخداد عظیم باز می‌گردد و برخی از آن‌ها صرفاً به بطن و معنا و مفهوم آن مربوط می‌شوند. برخی از زیبایی‌ها نیز به دو جنبه ساختار ظاهری و همین‌طور بطن و روح عاشورا و صحنه کربلا مربوط می‌شوند. اگر بخواهیم مثالی برای این مطلب ذکر کنیم، می‌توان حاضر شدن امام حسین (علیه السلام) در کنار پیکر خونین جُون، غلام سیاه را در نظر گرفت که دقیقاً مانند حاضر شدن امام در کنار جنازه مطهر فرزندش، حضرت علی اکبر (علیه السلام) اتفاق افتاده است. تصویر دیگر ریختن آب بر روی آب در شریعه و نوشیدن آن توسط حضرت ابوالفضل (علیه السلام) در عین تشنگی به یاد اطفال تشنه حاضر در آن صحنه را ذکر کرد. از زیبایی‌های روح و بطن کربلا نیز می‌توان به حضور حضرت زینب کبری (علیها السلام) و امام سجاد (علیه السلام) با آن حالات ذکر شده در تواریخ و مقتل‌ها، در رخداد کربلا اشاره کرد. در نگاه اول حضور این دو بزرگوار در آن صحنه غمبار و جنگ و ستیز غیرقابل توجیه و غیرمنطقی به نظر می‌رسد، ولی وقتی در بطن ماجرا و اتفاقات کربلا و بعد از آن وارد می‌شویم، آنچنان زیبایی‌های احساسی و ادراکی حضور آن‌ها و فلسفه حضورشان برای انسان متجلی می‌شود که هر انسان دارای فهم و شعور انسانی تحت تاثیر واقع شده و با تمام وجود با آن همراه می‌گردد. آری جلوه‌های زیبایی و نمادهای جمال در آینه کربلا بسیار است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۲. حرکت در مسیر مشیت الهی

از جمله والاترین جلوه‌های زیبایی این است که انسان اتفاق، حادثه و سرنوشت را در راستای خواست و مشیت الهی ببیند و راضی به رضای حضرت حق باشد. در صحنه کربلا وقتی می‌بینیم سرور و سالار شهیدان، امام حسین (علیه السلام) و گروهی از انسان‌های پاک و بی‌نظیر به خاک و خون غلتیدند و اگر زینب کبری (علیها السلام) دخت شیرزن بهترین زوج عالم حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام) با جمعی از پاکان عالم به اسارت می‌روند، این‌ها خودبه‌خود و تصادفی اتفاق نیفتاده است، مگر اینکه این امور در لوح مشیت الهی ضبط و ثبت شده و چقدر زیباست که امور و رخدادهایی در مشیت الهی رقم خورده باشد، چه این رقم خوردن آنی باشد و چه آن چه امری مثل عاشورا دارای پیشینه‌ها و پیش‌گویی‌های ضبط و ثبت‌شده فراوانی است.

بنا بر نقل علامه محمدباقر مجلسی یکی از خطابات معروف به حسین بن علی (علیه السلام) از عالم غیب وارد شده است: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلاً» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۴، ۳۶۴)؛ خداوند خواسته که تو را کشته و شهید ببیند. خطاب دیگر مشیت خداوند درباره زینب کبری و اسرای کربلاست: «إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرِيَهُنَّ سَبَايَا» (همان)، رسول خدا به من فرمود: خداوند می‌خواهد که آنان را اسیر ببیند. این روایات و بسیاری موارد دیگر دلالت بر این دارند که برای بقای دین اسلام و افشای شرک و نفاق بایستی هزینه‌هایی می‌شد، لیکن اراده الهی بر این واقع شد که این اتفاق با زیباترین شکل، عاشقانه، صبورانه و قهرمانانه انجام شود. این رخداد و مشیت الهی جاری و حاکم بر آن برای امام حسین (علیه السلام) که خود کل حُسن است و قرار است زیباترین تابلوی عالم هستی را به تصویر بکشد و همین‌طور برای زینب کبری (علیها السلام) که زینت تمام عالم هستی و پرورده دامن وحی و تربیت شده مکتب علی (علیه السلام) است و دیگر همراهان آن‌ها که شیخ مفید در جایی گفته است که بنا بر نقل خود امام حسین (علیه السلام) آن‌ها بهترین یاران، اعوان و انصار بودند: «إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي» (مفید، ۱۳۹۶: ۲۲۰)، این حرکت در بستر مشیت الهی اوج ارزش‌ها و زیبایی‌هاست. آن انسان‌های ملکوتی و ربانی مجموعه رخدادهای کربلا را از آغاز تا انجام زیبا می‌بینند؛ چراکه جزء جزء صحنه‌ها را منطبق با مشیت الهی می‌دانند.

۲-۳. خلق مفهومی متفاوت از قبل برای پیروزی

از دیگر زیبایی‌های مثال‌زدنی و شگفت‌انگیز صحنه کربلا و عاشورا، خلق و تبلور مفهوم تازه‌ای از فتح و پیروزی است. تا پیش از این رخداد عظیم و در عین حال باشکوه، برداشت بشر از فتح و پیروزی به‌گونه‌ای دیگر بود، اکثراً به غلط، پیروزی را صرفاً در رابطه با غلبه نظامی و چیرگی ظاهری بر دیگران می‌دانستند و شکست را هم در مظلومیت و کشته شدن در نبرد مقابل رقیب می‌دانستند. واقعه عاشورا تمام معادلات را برهم زد، درک و فهم بشر را دستکاری نمود و نشان داد که در اوج مظلومیت نیز می‌توان فاتح و پیروز بود و با کشته شدن آگاهانه و هدفمند هم می‌توان پیروزی را در تاریخ ثبت و ضبط نمود و با اهدای خون نیز می‌توان تابلوی زیبای ظفر و پیروزی را برای کل بشریت و تاریخ ترسیم کرد. تابلویی که تمامی اجزای آن زیبا و دارای ظرفیت احساس و ادراک زیباشناسانه است.

این پیروزی زیبا در حقیقت همان پیروزی خون بر شمشیر است که امام خمینی (ره) در توصیف آن گفته است: «ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است، ملتی که خود و همه چیز خود را برای اسلام می‌خواهد، پیروزمند است. ما در کشته شدن و کشتن پیروزیم» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۳: ۶۵). این همان آموزش قرآنی است: «إِلَّا أَحَدِي الْحُسَيْنِيْنَ» (توبه، ۵۲) که یکی از اصول مهم فرهنگ مبارزان و پویندگان سبیل الهی است. فرد یا گروهی و همچنین جوامعی که به تکلیف الهی در راستای مشیت الهی عمل کرده باشند، در هر حال پیروز هستند و آن همان پیروزی است که خداوند وعده آن را داده است.

این دیدگاه را امام حسین (علیه السلام) در اوج یقین داشت، همچنین امام سجاد (علیه السلام)، حضرت زینب (علیها السلام) حضرت ابوالفضل (علیه السلام) و دیگر رقم‌زندگان صحنه کربلا این دیدگاه را داشتند، آن‌ها همه حوادث به ظاهر تلخ و غمبار کربلا را به این دلیل که دارای پیامدهای سودمند برای اسلام و حق می‌دانستند، جمیل و شیرین درک می‌کردند، به‌عنوان نمونه بنا بر نقل مرحوم مجلسی زمانی که حضرت علی اکبر (علیه السلام) از امام (علیه السلام) از حق بودن قیام پرسید: «یا اَبَه! أَفَلَسْنَا عَلَى الْحَقِّ؟» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۴: ۳۶۷) و امام حسین (علیه السلام) پاسخ مبنی بر تایید و عاقبت بخیری دادند: «بَلَى يَا بُنَيَّ وَالَّذِي إِلَيْهِ مَرْجِعُ الْعِبَادِ...»، در این حال

حضرت علی اکبر علیه السلام یکی از زیباترین پرده‌های کربلا را به تصویر کشید. او گفت: «یا اَبه! اِذْنِ لَا تُبَالِي بِالْمَوْتِ»؛ در این صورت پس چه باک از مرگ پرافتخار و شهادت در راه خدا (همان). آن حضرت با این سوال، بصیرت دینی خویش را به زیبایی آشکار کرد؛ چراکه با پرسش از برحق بودن، همه حاضران را متوجه برحق بودن اهل بیت علیهم السلام کرده و این نمونه‌ای از بصیرت دینی آن حضرات به‌شمار می‌آید. از نمونه‌های دیگر طبق گفته شیخ طوسی وقتی ابراهیم بن طلحه از امام زین العابدین علیه السلام پرسید که چه کسی غالب شد؟ حضرت در پاسخ او فرمود: «إِذَا أُرِدْتُ أَنْ تَعْلَمَ مَنْ غَلَبَ وَ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَأَذَّنُ ثُمَّ أَقِمُّ» (طوسی، ۱۳۸۸: ۶۷۷)؛ هرگاه بخواهی بدانی چه کسی پیروز شده است هنگام نماز، اذان و اقامه بگو. امام سجاد علیه السلام در این سخن کوتاه و جامع به مخاطب منافق خویش فهماند که نهضت مقدس امام حسین علیه السلام نه به خاطر کسب قدرت، بلکه به جهت احیای دین و مبارزه با جاهلیت بنی‌امیه بوده است. این جهاد مقدس پیروزی را به نام اسلام ضبط و ثبت کرد و اثر آن این است که نام مقدس رسول خدا هر روز بی‌وقفه از مآذنه‌ها طنین افکن است، پس در صحنه کربلا هر چند امویان به ظاهر پیروز شدند، اما خون مطهر امام حسین علیه السلام چهره تابناک اسلام ناب محمدی را از پس غبار موهومات و خرافات اولاد ابوسفیان آشکار نمود و این نتیجه نهایی و ابدی است که به زیبایی ضبط و ثبت شده هر چند زمان می‌گذرد زنده‌تر و پویاتر از گذشته است.

۲-۴. اوج زیبایی در رضای بودن به رضای خداوند

رسیدن به مقام «الرِّضَا بِقَدْرِ اللَّهِ» بسیار دشوار و در عین حال زیبا و ارجمند است. اگر حضرت زینب علیها السلام حادثه کربلا را زیبا می‌بیند: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»؛ جز زیبایی چیزی ندیدم؛ به خاطر بروز این شاخصه متعالی در عملکرد ولی خدا، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، اصحاب، یاران و اعوان اوست. حسین بن علی علیه السلام در آن شرایط سخت رضای حق را بر همه چیز ترجیح داد. کربلا تجلیگاه رضای انسان به قضای الهی بود. حسین بن علی علیه السلام در واپسین لحظات حیات در قتلگاه چنین زمزمه می‌کرد: «الْهَى رِضًا بِقَضَائِكَ» و نه تنها خود بلکه خواهر خویش را نیز به همین نکته توصیه فرموده است:

«أَرْضَى بِقَضَائِهِ اللَّهَ».

این جلوه و نمودی آشکار از عرفان است. مرحله والا از عرفان به شکلی که خود را هیچ ندیدن و جز خدا هیچ ندیدن و در مقابل پسند خدا اصلاً پسندی نداشتن است. محمود شریفی در اثر خویش، موسوعه کلمات الامام حسین (علیه السلام) گفته است که امام حسین (علیه السلام) در آغاز حرکت خود از مکه به سوی کوفه هم در خطبه‌های این راضی بودن به رضای حق را بیان فرموده است: «رَضِيَ اللَّهُ رِضَانًا أَهْلَ الْبَيْتِ» (شریفی، ۱۳۹۷: ۳۲۸)؛ رضا و پسند ما خاندان، همان پسند خداست.

۲-۵. شب عاشورا به مثابه شب قدر

صحنه شب عاشورا از درخشان‌ترین جلوه‌های زیبایی است. اینکه چه عناصر و اجزایی این شب را تا این اندازه ممتاز و شاخص کرده، بسیار تامل برانگیز است و جای بحث و گفت‌وگو دارد. درباره اتفاقات آن شب می‌توان مقالات و کتاب‌های فراوان به رشته تالیف درآورد، لیکن ما در این مقاله بنا بر موضوع زیبایی و زیبایی‌شناسی حوادث کربلا به‌طور خلاصه به گوشه‌هایی از آن عناصر و مؤلفه‌های زیباساز بسنده می‌کنیم. اجزای شکل‌دهنده این صحنه شب شباهت‌های زیادی به شب قدر ماه رمضان دارد. افراد حاضر در آن شب، آنچنان شیفته لقای الهی بودند که از جبهه مخالف درخواست کردند تا یک شب به آن‌ها مهلت بدهد تا به نماز، عبادت و راز و نیاز با معشوق خویش پردازند. آیا زیبایی والاتر از این قابل تصور است که زمان بخری تا این که بر فیوضات و ارزش‌های معنوی خویش برای لقای دوست بیفزایی؟!

شب عاشورا، شب قدری بود برای آن انسان‌های برگزیده و نورانی که در سر دوراهی رفتن و ماندن، ماندن را که نشان از اوج وفا، ایثار و کمالات انسانی است، برگزیدند و زندگی بدون حسین (علیه السلام) و منویاتش را ذلت و مرگ شمردند. آن شب دارای رازهای بس شگفتی است و بسیاری از این رازها هنوز هم برای بشریت طول تاریخ درک و فهم نشده است. خطبه امام (علیه السلام) در آن شب، آن ابراز وفاداری ستودنی یاران امام حسین (علیه السلام)، گفت‌وگوی

امام با حضرت قاسم علیه السلام در قالب سؤال و جواب و بیان فلسفه قیام از سوی حضرت و عاقبت آن، تهجد و شب زنده‌داری اصحاب امام حسین علیه السلام تا سحرگاهان، زمزمه تلاوت قرآن و نیایش افراد از خیمه‌ها، اعلام وفاداری یاران امام با حضرتش در حضور زینب کبری علیها السلام و امام حسین علیه السلام و ده‌ها یا صدها اتفاق دیگر در آن شب غیر قابل وصف هر کدام برگ زرینی از جمالات کربلا و عاشورا است.

شب قدر که برای توصیف شب عاشورا عنوان می‌شود، بدین دلیل است که امام حسین علیه السلام و همراهانش در آن شب سرنوشت خود و شیعیان را در پیشگاه الهی رقم زدند. آنچه در کربلا اتفاق افتاد، به یک بنیاد برای مبارزه با ظلم، ستم و هرگونه زشتی و دنائت در طول تاریخ و در همه جای زمین به‌عنوان الگو مبدل شد. هر لحظه آن رخداد عظیم به یک مکتب انسان‌ساز مبدل شد که به انسان صفات زیبایی همچون آزادگی و حریت، وفاداری، فتوت و جوانمردی، ایمان و شجاعت، شهادت طلبی و... را می‌آموزد. درک بسیاری از حکمت‌ها و فلسفه اتفاقات و رخدادهای صحنه عاشورا و کربلا امکان‌پذیر نیست، مگر اینکه از منظر زیبایی‌شناسانه به آن‌ها بنگریم.

۲-۶. عاشورا و کربلا صحنه بروز زیباترین اضداد

بروز و ظهور اضداد در امور و پدیده‌های عالم یکی از مؤلفه‌های زیباساز آن‌هاست. در رخداد عاشورا و صحنه کربلا این مؤلفه از یک سو دارای فراوانی بالایی بوده و از سوی دیگر از زیبایی خاصی برخوردار است. از جمله مصادیق این اضداد این که در روز عاشورا امام حسین علیه السلام به خاطر اموری نگرانی‌هایی داشتند، اما هر چه بر نگرانی و دلواپسی آن حضرت افزوده می‌شد، قلبش آرام‌تر و صاحب‌اوج‌سکینه می‌شد؛ بنابراین امام حسین علیه السلام نگرانی داشتند که با نهایت متانت و زیبایی عجین شده بود.

در مواردی نقل شده که امام حسین علیه السلام جاهایی گریه کردند، اما گریه ایشان خود عامل افزودن بر صبر آن حضرت می‌گردید، تا جایی که صبر او ملائکه مقرب را نیز به تعجب واداشته است، پس امام گریان صبور است.

امام حسین (علیه السلام) در صحنه کربلا تنها و بی‌یاور مانده بودند، اما در عین حال، در جلالت شأن و عظمت، به تنهایی یک لشکر بود و به تنهایی وقتی به دشمن حمله می‌کرد، یک لشکر بزرگ از مقابل امام می‌گریختند، پس امام تنها، لیکن در عین حال صاحب یک لشکر است.

امام به منظور اتمام حجت بر کفار استغاثه می‌نمود، ولی در عین حال به فریاد هر کس که او را صدا می‌زد می‌شتافت، پس امام حسین (علیه السلام) در عین مغیث بودن مستغاث نیز است.

در کربلا همه شهدا جان خود را فدای امام حسین (علیه السلام) کردند، امام نیز جان شریف و باارزش خویش را برای تحقق رسالت و هدفش فدا کرد، به همین خاطر برخی زبان حال حضرت را خطاب به اصحابش چنین بیان کرده‌اند که فرموده شما جان خود را فدای من کردید و من هم خود را برای نجات شما از آتش جهنم فدا کردم؛ بنابراین امام حسین (علیه السلام) کسی است که هم جان‌ها برایش فدا شد و هم خودش فدای جان‌ها شد.

در صحنه کربلا امام و عزیزان همراهش در حالی که با بدن‌های تکه تکه شده بر زمین افتاده بودند، در همان حال برای نجات و مصون ماندن اهل بیت و هر کس به سوی آن‌ها آمده بودند، تلاش می‌کردند، پس آن‌ها همان به خون غلتیدگان تلاشگر بودند.

صحنه گردانان جبهه حق در صحنه کربلا به قدری تشنه بودند که زبان‌شان را در اطراف دهان می‌گرداندند، اما در عین حال هر یک سعی می‌کردند دیگر تشنگان را سیراب کنند. حضرت ابوالفضل در شریعه به یاد تشنگان آب نوشید و تلاش کرد آب را به طفلان تشنه خیام برساند، حتی نقل شده امام خواستند قبل از اینکه خودشان آب بنوشند، ذوالجناح را هم سیراب کنند، پس امام و حضرت ابوالفضل (علیه السلام) ساقیان لب تشنه هستند.

در صحنه کربلا برای اعضای جبهه حق، از جمله امام حسین (علیه السلام) و زینب کبری (علیه السلام) دیگر هیچ مأمن و پناهی باقی نمانده بود، اما آن‌ها هر بی‌پناه و خانگی را پناه بودند، فلذا آن‌ها پناه بی‌پناهان بودند.

از منظری دیگر می‌توان به این موضوع پرداخت و آن این که عاشورا صحنه نزع حق و باطل است که در آن باطل با نهایت خباثت به میدان آمد و از همین رو، تمام زیبایی حق به تصویر کشیده شده است. انسان غالباً امور را از طریق کمک گرفتن از اضداد شناسایی می‌کند، شناخت روز و روشنایی، با شناخت شب و تاریکی میسر می‌شود و همین طور شناخت صحت و سلامت، با بروز بیماری و گرفتاری برای انسان ظهور می‌یابد، درست مانند ماهی که تا زمانی که در آب است ممکن است درک صحیحی از آب نداشته باشد، پس یکی از ویژگی‌ها و شاخصه‌های رخدادهای عاشورا این است که شیطان و جنود او، خود را به‌طور کامل نشان دادند و همین سیاهی، پس‌زمینه‌ای شد تا نور فروغ کامل خود را نمایان کند و در مقابل هر حرکت یزیدیان، واکنشی زیبا و متعالی از امام حسین (علیه السلام) و اصحابش می‌بینیم، از سویی نیز سرشت انسان خوبی را می‌شناسد و از همین رو نمی‌تواند فروغ تابان آن را از یاد ببرد. همچنان که اخلاص و گره خوردن امری به خدای متعال، عامل زنده ماندن آن است بر خلاف امور دنیایی و پست که همانند دنیا زود نابود می‌شوند.

۲-۷. توبه و بازگشت مؤلفه‌ای دیگر از صحنه کربلا

توبه در منابع دینی به معنای بازگشت از گناهان و جبران گذشته است. برای توبه شرایطی گفته شده که از جمله آن‌ها داشتن اخلاص در توبه، اعتراف و اقرار به گناه، توسل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) برای پذیرش توبه از سوی خدا، ذکر خدا با تسبیح و حمد او بیان شده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۴۱). حسن بن محمد دیلمی در کتاب ارشاد القلوب گفته که امام جواد (علیه السلام) درباره ارکان توبه فرموده است: «التَّوْبَةُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: نَدَمٌ بِالْقَلْبِ، وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ، وَعَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ، وَعَزْمٌ أَنْ لَا يَعُودَ» (دیلمی، ۱۳۶۸: ۱۶۰)، شرایط پذیرش توبه چهار چیز است: پشیمانی قلبی، استغفار با زبان، جبران کردن گناه، نسبت به همان گناه، جبران حق الله یا حق الناس و تصمیم جدی بر اینکه دیگر مرتکب آن گناه نشود.

خداوند در قرآن کریم از توبه واقعی به نام توبه نصوح نام برده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا...» (تحریم، ۸)؛ یعنی ای کسانی که ایمان آورده‌اید، توبه‌ای از روی اخلاص به درگاه خداوند داشته باشید. در مجمع البیان آمده است که شخصی از پیامبر سؤال کرد که توبه نصح چیست؟ حضرت در پاسخ او فرمود: «شخص توبه‌کننده به هیچ وجه بازگشت به گناه نکند، چنان‌که شیر به پستان هرگز باز نمی‌گردد» (طبرسی، ۱۳۹۵، ج ۱۰: ۳۱۸). خداوند است که توفیق توبه می‌دهد، یعنی اسباب را فراهم می‌سازد تا بنده موفق و متمکن از توبه شود و بتواند از فرو رفتگی در لجنزار گناه و دوری از خدا بیرون آید و به سوی پروردگارش باز گردد. امام سجاد (علیه السلام) به این نکته تصریح دارد که وفای به توبه جز به نیروی حفظ و نگهداری خداوند میسر نیست؛ بنابراین در ابتدا باید از خداوند کمک خواست و سپس قدرت تصمیم‌گیری را افزایش داد و اقدام عملی انجام داد (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۴: ۴۸).

معنای توبه و بازگشت در صحنه کربلا و رخداد عاشورا متفاوت است. عاشورای امام حسین (علیه السلام) به این فریضه بار زیباشناسی داده است. در این رخداد زیبا دیگر آن بعد زمان، خودسازی‌های طولانی مدت و تلاش‌های زمانبر معنایی ندارد. البته این نکته قابل ذکر است که توبه و بازگشت افراد یا گروه‌ها بعد از رخداد کربلا و زمان‌های پس از آن که منجر به قیام‌های چندی نیز شده، منظور ما نیست که آن‌ها خود محل بحث‌های فراوانی است. در این تحقیق منظور ما آن بازگشتی است که طی یک یا دو جلسه گفت‌وگویی برخورد و حتی با مکتوبه‌ای از امام زمان و ولی امر اتفاق می‌افتد.

زهیر بن قین بجلی از جمله افراد معروف و سرشناسی بوده که در مسیر کربلا در مکان‌هایی با امام حسین (علیه السلام) برخورد داشت، در عین حال سعی بر دوری نمودن از امام و یارانش را داشت، در یکی از مکان‌ها امام پیکی به سویش فرستاد، ابتدا از مصاحبت اکراه نمود، ولی در نهایت پذیرفت و با امام نشستگی داشت و در رابطه با این که چه چیزهایی بین امام و این یار راستین امام رد و بدل شد دقیقاً اطلاعاتی در دست نیست، فقط این مشخص و معلوم است که بعد از آن دیگر زهیر کاملاً تغییر کرده و فدایی امام حسین (علیه السلام) و آرمان‌های او شد. گفتار او در شب عاشورا و عملش در روز عاشورا گواه این مطلب است. بنا بر نقل سید ابوالقاسم خویی او جملات زیبایی دارد از جمله: «وَاللَّهِ لَا يَكُونُ ذَلِكَ أَبَدًا،

أَتْرُكُ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَسِيرًا فِي يَدِ الْأَعْدَاءِ وَأُنْجَبُو، لَا أَرَانِي اللَّهَ ذَلِكَ الْيَوْمَ» (خویی، ۱۴۱۳ق، ج ۷: ۲۹۷)؛ نه به خدا سوگند هرگز چنین نخواهد بود. آیا فرزند رسول خدا را در دست دشمنان اسیر بگذارم و خود را نجات دهم؟! خدای آن روز را به من نشان ندهد. در جای دیگری از شیخ مفید در رابطه با زهیر نقل شده که او گفت: «وَاللَّهِ لَوَدِدْتُ أَنِّي قُتِلْتُ ثُمَّ نُشِرْتُ ثُمَّ قُتِلْتُ، حَتَّى أَقْتَلَ كَذَا أَلْفَ قَتْلَةٍ، وَأَنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِذَلِكَ الْقَتْلَ عَن نَفْسِكَ وَ عَن أَنْفُسِ هَؤُلَاءِ الْفِتْيَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ» (مفید، ۱۳۹۶، ج ۲: ۹۲)؛ به خدا سوگند، من دوست دارم کشته شوم و زنده شوم و باز کشته شوم تا هزار بار؛ و خدای عزوجل با کشته شدن من مرگ را از تو و جوانان و خاندانت دور سازد.

از دیگر توابع صحنه کربلا حربین یزید ریاحی می باشد. او که به قصد بستن مسیر بر امام حسین (علیه السلام) و کاروان او عازم کربلا شد، تحت تاثیر فیوضات و نفَس مسیحایی امام حسین (علیه السلام) قرار گرفت و با اقدام زیبایی خویش در راستای توبه و بازگشت از جبهه کفر جدا شده، به امام پیوست و یکی از افرادی شد که امام بر بالین او حاضر شده و مکان رفیع و زیبایی را برایش ترسیم نمود. در رابطه با حربین یزید ریاحی نقل ها حاکی از آن است که او علی رغم قرار گرفتن در سپاه مخالف امام و دشمنی ها و سختگیری هایی که بر امام و کاروان امام داشت، رگه هایی از خصایص زیبایی نیز در وجودش وجود داشت، به عنوان مثال از شیخ مفید نقل شده که هنگام اقامه نماز او به همراه افراد تحت امرش نماز را به امامت امام حسین (علیه السلام) اقامه نموده است (مفید، ۱۳۹۶، ج ۲: ۸۰). از نمونه های توابع صحنه کربلا افراد دیگری نیز ذکر شده که به همین دو مورد بسنده می کنیم.

۲-۸. عاشورا ترسیم کننده مرز بین حق و باطل برای بشریت

خط کشی بین حق و باطل و تبیین منطقه حضور و عمل انسان های کوردل و ددمنش و انسان های برگزیده و فرشته خویکی دیگر از مؤلفه های زیباشناسانه صحنه کربلاست. در واقع خداد عاشورا در صحنه کربلا نمایشگاهی است که از یک سو بیانگر فضایی چون عظمت، شجاعت و حق خواهی، حق پرستی و تمامی مکارم اخلاقی است که در وجود

مبارک امام حسین (علیه السلام) و یاران فداکار او تبلور یافته و آن افراد برگزیده و نورانی تحت هیچ شرایطی از آن‌ها رویگردان نشده‌اند؛ از سوی دیگر صحنه بروز و ظهور رذایل حیوانی چون سنگدلی و خونخواری امویان و سپاهیان ددمنش یزید است که این‌ها همه حاکی از آلودگی‌های روحی و اخلاقی آنان و نشان دهنده عاقبت باطل‌گرایی و بی‌ایمانی است.

روز عاشورا گروهی دارای این درجه از فهم و درک بودند که وقتی امام زمان‌شان آن‌ها را به همراهی دعوت نمود، بدون اینکه مصلحت‌اندیشی و محاسبه دنیایی انجام دهند، به ندای مقتدای خویش لبیک گفته و همراه ایشان حرکت کردند. توماس کارلایل -تاریخ‌نگار اسکاتلندی- در این باره گفته است: «بهترین درسی که از تراژدی کربلا می‌گیریم این است که امام حسین (علیه السلام) و یارانش ایمان به خدا داشتند، آن‌ها با عمل خود ثابت کردند که تفوق عددی در جایی که حق با باطل روبه‌رو شد، اهمیت ندارد و پیروزی امام حسین (علیه السلام) وجود اقلیتی که داشت باعث شگفتی من است، ما امام حسین (علیه السلام) را به‌عنوان مظهر حق می‌دانیم و در هر عصر و تاریخی اگر کاری این‌گونه ممتاز بشود، ناشی از عاشورای حسینی است» (هاشمی نژاد، ۱۳۸۲: ۴۴۷).

امام حسین (علیه السلام) همراه با خاصان همراهش در ترسیم صحنه کربلا ممتاز و چون خورشید درخشان هستند. آن‌ها واجد تمامی فضایل انسانی در حد اعلای می‌باشند. ویژگی و مؤلفه‌های زیباشناسی رشد و کمال این گروه بسیار است. از منظر زیباشناسی می‌توان بصیرت را از جمله مهم‌ترین عوامل و عناصر این رشد برشمرد. از جمله مهم‌ترین معیارها برای اثبات بصیرت افراد، شناخت جریان حق، امام زمان و ولی برحق روزگار است. در رخدادهایی که فتنه در آن‌ها نقش دارد، شناخت حق از باطل بسیار مشکل است، در این مواقع تنها افراد با بصیرت می‌توانند امام حق را تشخیص بدهند. معیار و عامل اساسی این شناخت پیروی کردن همه‌جانبه از رهبری برحق جامعه است، او کسی است که امت اسلامی را در مسیر صحیح هدایت می‌کند. سرپیچی از این مسیر به هر نحو یا به هر مقدار خطا بوده و نشانه بی‌بصیرتی فرد است. اگر این فرد جزو خواص باشد، جرم و گناهش بیشتر است، زیرا جمعی را نیز به دنبال خویش کشانده یا دچار حیرت و تردید می‌نماید و او به نحوی عامل

و دستاویز فتنه دشمن می‌شود، در مقابل افراد با بصیرت تأثیرگذار و الگوها نیز به همین شکل در هدایت افراد جامعه در جهت کمال نقش اساسی دارند.

زمان‌شناسی در حمایت از جریان حق برای اهل بصیرت بسیار مهم و اساسی است. محمدرضا حکیمی در الحیاه با عنوان حدیث: «وَالْعَالِمُ بِرِمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَأَيْسُ» (حکیمی، ۱۳۵۳، ج ۲: ۴۷۵)، از امام صادق (علیه السلام) گفته که آن کسی که نسبت به زمان خود عالم باشد، از هجوم شبهه‌ها در امان است. اگر خواص بتوانند در وقت خودش زمان را مدیریت نموده و به حمایت از جریان حق بپردازند، معلوم است که آن‌ها از بصیرت کافی برخوردارند.

به‌طور قطع اگر بزرگانی چون محمد حنفیه، ابن عباس، عبدالله بن جعفر، عبدالله بن عمر و دیگران که نقش خواص را داشتند، به‌موقع و با بینش در کاروان امام حسین (علیه السلام) حضور با بصیرت داشتند، رخداد به شکل دیگری اتفاق می‌افتاد. از نمونه‌های دیگر خواص بی‌بصیرت عمر بن سعد است. پدر او سعد بن ابی وقاص از صحابه برجسته و از شخصیت‌های صدر اسلام بود که در جنگ بدر و احد حضور فعال و تأثیرگذار داشت. با آغاز فتوحات مسلمانان، سپاهیان اسلام به فرماندهی او قادسیه و مداین را فتح نمودند، لیکن همین سعد بن ابی وقاص با آن همه پیشینه مثبت در دوران حساس پس از رحلت پیامبر ﷺ نتوانست در مسیر حق و حقیقت قرار گیرد. عمر بن سعد برخلاف افرادی چون عبیدالله بن زیاد و یا شمر بن ذی الجوشن که دشمن سرسخت آل علی بودند، انگیزه‌ای برای جنگ با امام حسین (علیه السلام) نداشت و طبق شواهد تاریخی سعی داشت با امام حسین (علیه السلام) درگیر نشود، لیکن عدم بصیرت و فهم درست، آن شد که نباید می‌شد.

۳. نتیجه‌گیری

انسان از طریق فطرت هر آنچه را که با فلسفه خلقتش که بندگی است، سازگار بیابد، با آغوش باز پذیراست و آن‌ها را در قالب امور و پدیده‌های زیبا احساس و ادراک می‌نماید.

بعضی از انسان‌ها با افتادن در ورطهٔ گناهان نقش مهم و سرنوشت‌ساز فطرت را به‌مرور کم‌رنگ نموده، تا جایی که حتی آن را کاملاً بی‌خاصیت می‌کنند. البته در این بین نقش عقل و دل بشر نیز قابل انکار نیست. امور و پدیده‌های پذیرفته شده از این فیلترها، زیبا و در غیر این صورت زشت و در مواقعی به شکل زیبانما قابل تصور است.

در عاشورا و کربلا اوج تبلور این دو امر اتفاق افتاده است، در یک طرف تماماً زیبایی و شکوه و در مقابل آن‌ها سراسر زشتی، دنائت و ددمنشی به تصویر کشیده می‌شود. کربلا کمال زیبایی و شکوه است؛ چراکه به دست انسان‌هایی رقم خورده که در نهایت کمال و زیبایی‌های انسانی و اخلاقی می‌زیستند و انتخاب‌شان نیز در راستای احیای زیبایی‌ها و مبارزه با زشتی‌ها بوده و به همین دلیل است که امام حسین (علیه السلام) یاران خود را بهترین انسان‌ها برشمرد و در شب عاشورا مقاماتشان را به آن‌ها نشان داد؛ زیرا می‌دانست آن‌ها زیبایی مطلق را درک کرده و خود زیبا شده‌اند و هرگز تمنای زشتی و پلیدی ندارند.

در این تحقیق همچنین این نتیجه حاصل شد که هر فرد، قوم و ملتی از انسان‌ها با نظر به چگونگی و تفسیر و توجیهی که درباره حیات پیرامون خود دارند و همچنین با نظر به فرهنگ و فضایی که در آن زندگی می‌کنند، حقایق را به عنوان آرمان‌ها و ایده‌های اعلی یا ضد ارزش‌ها یا زیبانماها برای خود پذیرفته‌اند. این آرمان‌ها و ایده‌های زیباشناسانه اگر از سنخ عظمت‌های معقول، مانند عدالت، آزادی، نظم، صدق، اخلاق، فداکاری و دیگر تجلیات تکاملی روح باشند، تحقق و انطباق آن‌ها در زندگی عینی انسان‌ها، جمال معقول و زیبایی عقلانی و والا نامیده می‌شود و اگر از سنخ ترکیبات و کیفیات محسوس باشند، زیبایی آن‌ها از نوع حسی نام می‌گیرد و در نهایت به احساس و ادراک زیبا می‌انجامد و در مرحله والاتر آن زیبایی‌ها به فعلیت می‌رسند. در صحنهٔ کربلا همهٔ این زیبایی‌ها به بهترین شکل تبلور یافته است.

نکتهٔ مهم اینکه در کربلا جبههٔ حق دارای تمامی مولفه‌ها و عناصر زیبایی بود. آن‌ها تمامی حجاب‌های بین خود و عالم‌والا را درنور دیده بودند و نه به ایمان، بلکه به یقین رسیده بودند. آن‌ها خیر مطلق و زیبایی را در سرنوشتی که آفریدگار برای آن‌ها ترسیم

کرده بود، می دانستند و همین راز کلام حضرت زینب علیها السلام است که فرمود همه چیز را زیبا می بیند. عاشورا یک رسم الخط بود، ترسیم روشن خطی که حق و باطل را جدا کرد و مسلمان ناب را از مسلمان نمای مدعی باز شناساند. پیروان رحمان و جنود شیطان هر کدام در یک سو به عیان دیده شدند. معیارهای زیبایی شناسانه جبهه حق برای کل تاریخ تا ابدیت به وسیله عده ای از بهترین انسان های با بصیرت و روشن بین رقم خورد. این نتیجه حاصل رخداد کربلا و حوادث بعد از عاشورا است. تابلوی زیبایی که از حضور امام حسین علیه السلام به میدان کربلا شروع شده، با نقش آفرینی یک یک نقش آفرینان این صحنه نقش گرفته و با خطبه های روشن گر و کوبنده زینب کبری علیها السلام و امام سجاد علیه السلام این تصویر زیبا به کمال رسیده است.

و مطلب پایانی این که تحلیل و بررسی اتفاقات و رخداد های صحنه کربلا و عاشورا و همچنین شناخت مؤلفه های آن از منظر زیبایی شناسی می تواند بیشترین تاثیر و همین طور گستردگی را برای مخاطبان داشته باشد. دلیل این موضوع نیز این است که اولاً زیبایی از امور فطری است و حتی برای غیر شیعیان نیز وقتی رخداد های عاشورا و کربلا از منظر زیبایی شناسی مورد تحلیل و تبیین قرار گیرند، تاثیر و جذابیت دارند و ثانیاً این که شکل گیری و ظهور پدیده زیبا بر اساس برخی مراحل و مبانی به وجود می آید که همین مراحل باعث گستردگی و ماندگاری آن می شود. مراحل اولیه آن به وسیله حس و سپس ادراک و این دو مقدمه ایمان می شوند. ایمان زیباشناسانه بسیاری مواقع به یقین تبدیل شده و اگر این مراحل به درستی طی شوند زمینه رشد و کمال پایدار انسان را فراهم می سازند. رخداد های عاشورا در صحنه کربلا دارای تمامی این ویژگی هاست و به همین دلیل است که تاثیر و جذابیتش از منظر زیباشناسی فراوان است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم. (۱۳۷۳). ترجمه محمد مهدی فولادوند. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- صحیفه سجادیه. (۱۳۷۴). ترجمه حسین انصاریان. تهران: پیام آزادی.
- ابن بابویه، ابو جعفر. (۱۳۷۶). امالی شیخ صدوق. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. تهران: کتابچی.
- ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی. (۱۲۹۷ق). تحف العقول عن آل الرسول. ترجمه محمد صادق حسن زاده. قم: انصاریان.
- امین عاملی، سید محسن. (۱۴۰۳ق). اعیان الشیعه. بیروت: دارالتعاریف للمطبوعات.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۱). تاملی در نهضت عاشورا. قم: انصاریان.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷). حماسه و عرفان. قم: اسراء.
- جوینی، مصطفی صاوی. (۱۳۸۷). شیوه‌های تفسیری قرآن کریم. ترجمه موسی دانش و حبیب روحانی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- حکیمی، محمدرضا؛ علی، محمد. (۱۳۵۳). الحیاه. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۵). درس‌های عاشورا. قم: انقلاب اسلامی.
- خرقانی، حسن. (۱۳۸۷). «مفاهیم زیبایی‌شناختی در قرآن». مطالعات اسلامی. شماره ۸۰. صص: ۱۱-۴۷.
- خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه نور. ج ۱۳. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خوبی سید ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم رجال‌الحديث. بیروت: الثقافة الاسلامیة فی العالم.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- دیلمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۸). ارشاد القلوب. قم: شریف الرضی.
- شریفی، محمود. (۱۳۹۷). موسوعه کلمات الامام‌الحسین (علیه السلام). تهران: تبلیغات اسلامی.
- شوشتری، جعفر. (۱۳۸۸). مقتل شوشتری. ترجمه ابراهیم سلطانی نسب. تهران: آرام دل.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۹۵). مجمع‌البیان. ترجمه احمد بهشتی. قم: اندیشه هادی.
- طهرانی، میرزا ابوالفضل. (۱۳۹۳). شفاء الصدور فی شرح زیاره العاشورا. ترجمه حامد فدوی. قم: طوبای محبت.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۸). امالی شیخ طوسی. ترجمه صادق حسن زاده. قم: اندیشه هادی.
- عقاد، عباس محمود. (۱۳۴۷). ابوالشهداء الحسین بن علی (علیه السلام). ترجمه محمد کاظم معزی. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- عمادزاده اصفهانی، حسین. (۱۳۲۶). تاریخ جغرافیایی کربلای معلی. بی‌جا. بی‌نا.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر عیاشی، تصحیح هاشم رسولی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- قمی، شیخ عباس. (۱۳۹۲). مفاتیح‌الجنان. ترجمه حسین انصاریان. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن کریم.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۶۰۴). بحار الانوار. لبنان: موسسه الوفاء.
- مرتضی عاملی، سید جعفر. (۱۴۲۶). الصحیح من سیره‌النبی‌الاعظم. لبنان: دارالحديث.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴). حماسه حسینی. قم: صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۶۰). فرهنگ لغت فارسی. تهران: امیر کبیر.
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۳۹۶). الارشاد. ترجمه سید رسول محلاتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- واسعی، علیرضا. (۱۳۹۰) نگاهی نوبه حماسه عاشورا. قم: بوستان کتاب.
- هاشمی نژاد، سید عبدالکریم. (۱۳۸۲). درسی که حسین (علیه السلام) به انسانها آموخت. مشهد: به نشر.
- همتی، همایون. (۱۳۸۷). فهم هنر و هنر فهم. تهران: پرسش.
- _____ . (۱۳۸۵). «زیبایی شناسی و دین». هنر. شماره ۷۰. صص: ۱۷۸-۱۹۵.
- یاقوت حموی، شهاب الدین. (۱۳۸۳). معجم البلدان. ترجمه علینقی منزوی. تهران: انتشارات و تولید فرهنگی.